

بسمه تعالی

کلمهء لاله در اشعارم

استفاده از کلمهء لاله در بعضی از اشعارم که در اینجا فقط از محدود فرد ها یا دوبیتی ها که در آنها کلمهء لاله بکار رفته است، تذکر داده میشود. در بعضی جاها عنوان شعر سروده شده نیز آورده شده است.

شهر لاله

گفتم صنما نام خوشت گفت، لاله
چشمان قشنگت، بهتر ز غزاله
گفتم ز کجا آمده ای، ای ماه روی
گفتا ز شمال وطن، شهر لاله

۲۰۲۱، ۳، ۸، سدنی

لاله روی زیبا

ای لاله روی زیبا، یکدم به پیش من آ
تا جان به تن بدارم، در خدمت تو باشم

لاله زار

عمریست که ز لاله زار خود دورم
از زاد گه و از دیار خود دورم

مادر جانم

عید آمد و از دیار خود دورم
از کشور لاله زار خود دورم

درد هجران

سوخت کابل هم هرات و بامیان و قندهار
لاله سان داغم به دل، ز شک یتیمان سوختم

اشک یتیم

ظالمان رحمی نکردند، بر جوان و پیر تو
لاله سان غرقه بخونی، بر شهیدانت قسم

سرو روان

درد هجران مرا، از گل میهن بزدای
لاله ویاسمن، هم شور فغانی به من آر
گذرت گربشود، سوی بدخشان وطن
یار شیرین سخن و لاله عذاری بمن آر

غم جانان

گرتو از خون شهیدان، همه گلگون گشتی
لاله سان داغ به دل، حال پریشان رفتم

سوختم، سوختم

دشت و دامانت بُدی مینوی من
از غم آن لاله زاران سوختم، سوختم

عقاب شکسته پر

ز عاشقان سراپردهء وطن هسّم
مرا بهشت زمین، لاله زار خود باشد

فریاد بلبل

زمین و آسمان خرسند، ملاًئک شده همه خندان
بشد رنگین ز لاله، دشت و دامان وطن هر جا

خاک وطن

هر زمانی اگر آئید به سر تربت من
لاله از یاد شهیدان، به مزارم آرید

زیبای من

بسکه زیبا و قشنگ و نازنینی
لاله گردیده خجل از روی تو

غزالان رمیده

لاله رویان مهاجر به وطن باز رسان
یا رب! آن آهوی مشکین، به ختن باز رسان

مادر افغان

لاله از خون شهیدان وطن
سرزند در کوه صحرا، هر کجا

مرغک بسمل

جانا بقدای قد بالائی که توداری
لاله خجل از دست حنائی که توداری
لاله شده داغش به دل، از خال لب تو
قربان همان خال سیاهی، که توداری

غنچه دهان

برده دل از کف من غنچه دهانی عجبی
لاله رخ سیم بدن، سرو روانی عجبی

ماه دو هفته

دست حنائیت جان، شرمنده کرده لاله
ماهروی ماهرویان، دور از نقاب باشی

هفته نامهء افق

در آسمان سدنی، هفت ساله شد افق
سرخ رو و سر بلند، چون لاله شد افق

حنای دست یار

یارم چو حنا به دست گیرد
لاله ز کفش، شکست گیرد

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۳۰، ۰۱، ۲۰۲۱، سدنی